

## حقیقت و کیفیت دعا از منظر قرآن و فلاسفه اسلامی

فاطمه قمی<sup>۱</sup>، طاهره آل بویه<sup>۲</sup>

### چکیده

بحث حقیقت و کیفیت در امر دعا، یکی از مسائل مهم در فهم و تبیین دعاست. در این مقاله سعی شده تا حقیقت دعا تبیین شده و کیفیت دعا از دو حوزه نظری و عملی بررسی شود. مقاله حاضر در حد امکان، به حقیقت و کیفیت دعا با رویکردی قرآنی، و نیز با تأکید بر آرای فیلسوفان مسلمان مانند ملاصدرا، ابن عربی، امام خمینی رحمته الله علیه، شهید مطهری و جوادی آملی بهره برده است. قرآن کریم و فلاسفه اسلامی، حقیقت دعا را قطع نظر داعی از ماسوی و توجه تام و قلبی به مدعو می دانند. برای ایجاد این حالت برای داعی در زمینه کیفیت دعا، شایسته است اموری مانند ایمان به خدا، طهارت باطنی، اهمیت دادن به زمان و مکان دعا در نظر گرفته شود تا داعی او، حقیقت و کیفیت مطلوب الهی داشته باشد.

**واژگان کلیدی:** حقیقت دعا، کیفیت دعا، قرآن، فلاسفه اسلامی.

### ۱. مقدمه

عمیق ترین نیاز انسان، ارتباط او با خداوند است. رابطه تکوینی و فقر ذاتی انسان نسبت به خدا، فطرت خداجویی انسان را اشباع می کند. بنابراین، انسان، نیازمند ارتباطی اختیاری با خداوند، به عنوان جلوه ای از فقر ذاتی خود است. این ارتباط اختیاری که در واقع گفت وگو با خداوند است، می تواند پاسخی به فطرت خداجوی انسان باشد. گفت وگو با خداوند با تمام شیوه های متفاوت آن، دعا و نیایش نام دارد. دعا، آسان ترین و در دسترس ترین ابزار و وسیله ارتباطی بشر با خالق خویش است. بشر برای برقراری ارتباط بهتر با خداوند، نیازمند آگاهی از حقیقت و کیفیت مطلوب دعاست. مقاله حاضر، برای فهم و تبیین بیشتر مسئله حقیقت دعا در رفع ابهام در مورد دعا و نیز تبیین و آگاهی بیشتر از ارتباط مطلوب با خداوند، نگارش یافته است. در این پژوهش، از منابع دست اول تفسیری مانند *المیزان*، *مجمع البیان*، *تفسیر نمونه*، منابع فلسفی مانند *سفار و*

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از هندوستان.  
۲. استاد همکار گروه علمی-تربیتی کلام و مذاهب اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از ایران.

رسائل ملاصدرا، حکمت عبادات جوادی آملی، انسان کامل شهید مطهری، تقریرات فلسفه امام خمینی رحمته الله علیه، و فتوحات مکیه ابن عربی استفاده شده است.

حقیقت دعا از منظر قرآن، در گرو تحقق درخواست است نه در توجه به خود خواسته. بنابراین، دعای حقیقی، دعایی است که انسان، توجه خود را از غیر، قطع کرده و از صمیم قلب، فقط به خداوند توجه داشته باشد. کیفیت دعا به اموری مانند ایمان به خدا، طهارت باطنی و ... وابسته است. فیلسوفان اسلامی بر این نکته توافق دارند که حقیقت دعا، انقطاع داعی از غیر، به سوی خداست، یعنی خدا انسان را به حضور پذیرفته و به او رو کند. برای اینکه دعای انسان کیفیت مطلوبی داشته باشد، انسان باید مواردی مانند گریه و خضوع، دعا به زبان فقر نه به صورت حکم و ... را در دعای خود رعایت کند. نوشتار حاضر، با تبیین حقیقت دعا و اموری که در کیفیت دعا دخالت دارند، با استفاده از آیات قرآن و نظرات فلاسفه اسلامی تدوین شده است.

## ۲. حقیقت دعا از منظر قرآن

دعا، یعنی خواندن، و حقیقت دعا از منظر قرآن این است که بنده، خداوند را با تمام وجود خوانده و هدف او فقط خداوند باشد، پس خواستن و طلب حاجت در دعا، هدف اصلی دعا نیست. خود دعا به معنای توجه تام انسان، به کسی که با او ارتباط برقرار کرده، ملاک حقیقی دعاست و نفس و حقیقت دعا نیز همین است. بنابراین، از منظر قرآن، برقراری ارتباط دعاکننده با خداوند و توجه به این مطلب که او چه کسی را می خواند، نفس و حقیقت دعاست. خداوند در قرآن می فرماید:

وَ إِذْ سَأَلْتَهُ عِبَادِي عَنِّي فَيَأْتِي قَرِيبًا أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِئِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ.

و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، بگو من نزدیکم، دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم، پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند و به مقصد برسند. (بقره: ۱۸۶)

این آیه، به خوبی این مسئله را بیان می کند که حقیقت دعا در گرو توجه به خود خواسته است، یعنی خواننده را با همه کمالات بخشندگی اش در نظر گرفته و به بخشندگی او یقین داشته باشد، اما در صورتی که چیزی را از خدا بخواهد، ولی هنگام خواستن، دلش از تحقق مقصودش غافل باشد، دعا به حساب نمی آید. نکته ای که در این آیه وجود دارد این است که داعی به صورت حقیقی باید دعا کند و علم غریزی و فطریش، منشأ خواسته اش بوده و خلاصه قلبش با زبانش موافق باشد؛ زیرا دعای حقیقی آن است که قبل از زبان سر، زبان قلب آن را بخواهد. بنابراین، این قید که چیزی

افزون بر مقید نیست، دلالت بر شرط حقیقت بدون مجاز یا شبه می‌کند. حقیقت دعا این است که داعی، نظر مدعورا به سوی خود جلب کند و سپس فایده و نعمتی را از وی درخواست کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۲/۲) با توجه به آیات ۱۸۶ سوره بقره، حقیقت دعا، توجه تام داعی از غیر، به سوی خداوند است. درخواست و حاجت نیز در گرو همین توجه به خداوند است.

### ۳. حقیقت دعا از منظر فلاسفه

صدرالمتألهین، یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان سده‌های اخیر، بخشی از رسالت فلسفی کلامی خود را مصروف پدیده دعا و نیایش کرده است. وی در آثار خود، دعا را معادل با درخواست رحمت و بخشش از خداوند به صورت زاری، فروتنی و خواری دانسته و کوشیده در فلسفه خود، زوایای پنهان این بحث را باز کرده و هرگونه تصویر شبیه‌ناکی را از آن بزداید و نشان دهد که تصویر صحیح دعا، علاوه بر اینکه هیچ تعارضی با آموزه‌های فلسفی و کلامی ندارد، می‌تواند ثمرات عینی بسیاری هم داشته باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ۴۰۲/۹) او در تفسیر قرآن خود، در مورد حقیقت دعا می‌گوید:

آن عبادت شریفی که در آن اظهار انقطاع الی الله باشد و جایز است که در آن دعا، برای ما مصلحتی از خضوع و خشوع و تذلل و سایر مواردی که موجب رقت قلب گردد، باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ۹۹/۱)

امام خمینی رحمته‌الله علیه در مورد حقیقت دعا می‌فرماید:

دعا، عبادت است. به این معنا که انسان در حال دعا کردن، دل از همه امور می‌برد و فقط توجه به آستانه خداوند می‌کند. در واقع دعای داعی، از قلب اوست و با توجه تام صورت می‌گیرد. به همین دلیل به دعا، عبادت گفته شده و این، حقیقت دعاست. (خمینی، ۱۳۸۱، ۲۷۳/۳)

در جایی دیگر می‌فرماید: «این معنا که با خواندن او دل آرام گیرد و انسان با یاد خداوند و خواندن، او را حاضر و ناظر ببیند». (خمینی، ۱۳۸۹، ۴۸۰/۱۸)

استاد مطهری می‌فرماید:

باید متوجه بود که دعا اگر فقط لفظی باشد و برای اجر و پاداش و کفاره گناهان باشد، آنچنان سودی ندارد، بلکه حداقل چیزی که در دعا هست، این است که انسان بداند بنده‌ای به درگاه خداوند ملتجی شده، و بنده‌وار او را ثنا می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۷، ۴۳۳/۱۲)

دعا، اظهار عبودیت است. امتناع از دعا، استکبار بر خداوند متعال بوده که زشت‌ترین استکبارهاست. همان‌طور که در قرآن آمده: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (غافر: ۶۰) دعا، کمال انسانیت است، برقراری پیوند بنده با خداست. پیوند خدا با بنده، قطع ناشدنی است. انسان در حال دعا، با باطن و ضمیر خود، متوجه آفریننده و مبدأ و نقطه‌ای که از آنجا آمده، شده، از او استمداد کرده و سعادت و سلامت و توفیق می‌طلبد و مغفرت و آمرزش مسألت می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۷، ۴۰۶/۳) در دعای کمیل، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ؛ خدایا، آن گناہانی را که سبب می‌شود دعا کردن من حبس شود و درد دعا کردن و مناجات کردن از من گرفته شود، بیامرزد». این است که می‌گویند دعا برای انسان، هم مطلوب است و هم وسیله، یعنی دعا همیشه برای استجاب نیست، اگر استجاب هم نشود، استجاب شده است. دعا خودش مطلوب است (مطهری، ۱۳۷۷، ۱۳۹/۲۳). خداوند در آیه ۸ سوره مزمل می‌فرماید: «یاد کن نام پروردگارت را و به سوی او تبتل کن». تبتل، حالت تضرع و انقطاع و همان جوهر عبودیت است. کلمه تبتلاً، منقطع شدنی است، یعنی نوعی خاص، که کمال انقطاع را می‌رساند و لازمه عبودیت و خداپرستی است و بلکه حقیقت دعا، همان انقطاع به حق است. انقطاع، یعنی بریده شدن از ماسوی و پیوستن به خداوند. جمله اول مناجات شعبانیه این است که «خدایا به من، موهبت فرما، نهایت انقطاع به خودت را». این نهایت انقطاع، ملازم است با نهایت اتصال، یعنی نهایت انقطاع از غیر خدا، ملازم است با نهایت اتصال به حق (مطهری، ۱۳۷۷، ۶۰/۲۸-۵۹). بنابراین، حقیقت دعا انقطاع است. انقطاع، گاهی قهری و اجبارست و آن زمانی است که انسان اضطرار پیدا می‌کند و اسباب بریده می‌شود، و گاهی اختیاری است و آن وقتی است که به میل و اراده خود، منقطع می‌شود و به سوی او می‌رود (مطهری، ۱۳۷۸، ۴۳۳/۱۲).

از نظر استاد جوادی آملی، کسی که خدا را برای نجات از جهنم یا برای رسیدن به بهشت می‌پرستد، عبادت او خالص نیست؛ زیرا برای دفع یا جلب چیزی، خدا را عبادت کرده است. گرچه عبادتش صحیح بوده و از او رفع تکلیف می‌کند، اما وقتی با دید برتر، به عبادت خود نگاه می‌کند، می‌بیند که عبادت او مشوب است. بنابراین، از خدا نباید چیزی را غیر از خدا خواست، پس حقیقت دعا آن است که خدا انسان را به حضور پذیرفته و به او رو کند و انسان، او را زیارت کند. در میان برجسته‌ترین تعبیرات مناجات شعبانیه است که: «وَأَقْبِلْ إِلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ؛ مناجات من، تنها برای آن است که تو به من رو کنی، نه برای آنکه چیزی به من بدهی». حکمت دعا، همان روح دعاست که داعی، خود را در مشهد و منظر مدعو بداند و او را که خدای سبحان است، شاهد خویشتن کند،

شاهدی که با این مشهود، پیوند دیگری برقرار می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۲۳۵-۲۳۶)

دعا، نوعی عبادت و برقراری پیوند بین بنده با خداست و حقیقت دعا به این معناست که دعاکننده، می‌خواهد با دعا کردن، به خداوند برسد. بنابراین، درخواست و حاجت در دعا، چیزی نیست که داعی به دنبال آن باشد، بلکه حقیقت دعا، داعی است که موجبات فیض را برای او فراهم کرده و داعی بتواند خود را از ماسوی منقطع کرده و به خداوند بپیوندد و خود را در حضور خدا ببیند. بنابراین، دعای لفظی نیست. داعی است که دعا از زبان دل و با تمام وجود، انجام داده و به این صورت، پیوندی برقرار می‌شود که قطع نشدنی است و این دعا موجب تقرب به خداوند می‌شود، پس بین نظرات فلاسفه و قرآن کریم، هماهنگی است و تفاوت در تبیین فلسفی نظرات فیلسوفان است.

#### ۴. کیفیت دعا

مراد از کیفیت دعا در اینجا، آشنایی و معرفت با صفات و اسماء خداوند و رعایت نکاتی است که در کیفیت مطلوب دعا، برداعی، لازم و ضروری است.

#### ۱-۴. کیفیت دعا از منظر قرآن

##### ۱-۱-۴. در حوزه نظری

حوزه نظری، حوزه شناخت و معرفت است که داعی در این حوزه، با صفات و اسماء خداوند آشنا شده و به موجب این بینش، معرفتی از خداوند در او شکل می‌گیرد از اینکه خداوند سمیع و بصیر و قادر و... است. همچنین انسان، به رابطه بین خود و خداوند نیز شناخت پیدا می‌کند، یعنی دعا، این شناخت را به انسان می‌دهد که انسان چه مقدار می‌تواند به خداوند نزدیک شود. انسان با آشنایی با صفات و اسما و رابطه خود و خداوند، به تدریج به خداوند نزدیک می‌شود. این نزدیکی، به تدریج کمال هر چه بیشتر را فراهم می‌کند و در سایه این شناخت و قرب است که دعای داعی، کیفیت مطلوب خواهد داشت.

##### ۱-۱-۴. آشنایی با اسما و صفات خداوند

##### ۱-۱-۴. عقیده به سمیع و بصیر بودن او

از عوامل مؤثر در کیفیت دعای داعی، توجه به صفت سمیع و بصیر بودن خداوند است. وقتی داعی بداند که کسی را می‌خواند که هم می‌بیند و هم می‌شنود، این صفات بر رابطه او در دعا و کیفیت دعای او تأثیر خوبی خواهد داشت. قرآن کریم می‌فرماید:

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

و معبودانی را که [مشرکان] به جای او می پرستند [چون از هر جهت ناتوانند] هیچ گونه داوری نمی کنند؛ یقیناً خدا شنوا و بیناست. (غافر: ۲۰)

خداوند، به آنچه دیدنی و شنیدنی است، آگاه است، پس در موارد وصف، سمیع و علیم، در کنار هم یاد شده و می فرماید:

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

و [یاد کنید] زمانی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه کعبه را بالا می بردند [و به پیشگاه حق می گفتند]: پروردگارا!! [این عمل را] از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی. (بقره: ۱۲۷)

#### ۴-۱-۱-۲. توجه به قدرت الهی

دعاکننده باید معتقد باشد که اراده الهی هرگاه بر تحقق امری که در ذات خود ممتنع و محال نباشد تعلق بگیرد، با صدور فرمان او، بی چون و چرا به همان صورتی که اراده اش باشد، بی واسطه یا با واسطه، دفعی یا تدریجی، آن امر محقق می شود. قرآن کریم برای مردود شمردن و محکومیت شیوه مشرکان دایر به طلب از غیر خدا، از آنان نفی قدرت کرده و می فرماید:

أَمْ لَهُمْ ءَالِهَةٌ مِّنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ.

آیا برای آنان به جای ما معبودانی هست که آنان را [از عذاب ما] باز دارند در حالی که [آن معبودان] نمی توانند خود را یاری دهند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۰۲/۱۴؛ مکارم شیرازی،

۱۳۷۴، ۱۳، ۴۱۴/۱؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ۷۸/۷)

توجه به قدرت خداوند، آن هم در وقت دعا و حتی یادآوری و ذکر مظاهر قدرت الهی و شمردن آن در این حال و تلقین آن به نفس، تأثیری قوی در اطمینان در اجابت دعا و تحقق دعای واقعی و طلب حقیقی از خدای متعال و سپس اجابت آن از سوی خدا دارد. تمامی موارد ذکر شده، از قدرت خداوند بوده که در کیفیت دعای داعی مؤثر است و اگر رعایت شود، برای دعاکننده تأثیر بسیاری در برقراری و عمق این ارتباط با خدای متعال خواهد داشت.

#### ۴-۱-۲. در حوزه عملی

بعد از شناخت عقلی صفات خداوند، در حوزه عملی، در داعی شوق و انگیزه ای ایجاد می شود که به دنبال این شوق، داعی به سمت خداوند قدم برمی دارد و این در تمام اعمال و رفتار او سرایت کرده و دعای داعی، از دعای لفظی، به اعمال قلبی رسوخ می کند و دعای او به این واسطه کیفیت مطلوبی خواهد داشت.

#### ۴-۲-۱. ایمان به نزدیکی خداوند

خداوند، نزدیک ترین موجود به مخلوقات خود است. قرآن کریم با لطیف ترین بیان، این حقیقت را بازگو کرده و می فرماید:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسُوْسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ.

همانا انسان را آفریدیم و همواره آنچه را که باطنش [نسبت به معاد و دیگر حقایق] به او وسوسه می کند، می دانیم و ما به او از رگ گردن نزدیک تریم. (ق: ۱۶)

این آیه، می فرماید که خدای متعال است که نفس را آفرید و آثاری برایش قرار داد، پس او، واسطه بین انسان و نفس او، و بین نفس او و آثار آن است. او از هر چیزی که فرض شود، حتی از خود انسان به او نزدیک تر است. این باور و احساس، موجب می شود که دعاکننده که انسان در مانده و محتاج به خداوند است، در لطیف ترین و ظریف ترین حالات خود، در هر مکان و موقعیتی که قرار گیرد، هیچ گاه و برای لحظه ای خود را از آفریدگار جدا نبیند و بی آنکه بین خود و ذات مقدسش کوچک ترین فاصله ای ببیند و برای ارتباط و اتصال با او کمترین مانعی در سر راه خود بیابد، در لحظات سخت و دشوار رو به سوی او آورد و سامان یافتن کارش را از او بخواهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳۴۷/۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۴۶/۲۲؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۱۶/۹)

#### ۴-۲-۲. کسب طهارت

دعاکننده، در کسب آداب ظاهری دعا نیز باید اهتمام کافی و لازم را کسب کند. خداوند در سوره مائده می فرماید:

ای اهل ایمان! هنگامی که به [قصد] نماز برخیزید، صورت و دست هایتان را تا آرنج بشویید و بخشی از سرتان و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت پا مسح کنید و اگر جنب بودید، غسل کنید و اگر بیمار هستید یا در سفر هستید یا یکی از شما از قضای حاجت آمده، یا با زنان آمیزش کرده اید و آبی [برای وضو یا غسل] نیافتید، به خاکی پاک، روی کنید و از آن بخشی از صورت و دست هایتان را مسح نمایید. خدا نمی خواهد [با احکامش] بر شما تنگی و مشقت قرار دهد، بلکه می خواهد شما را [از آلودگی ها] پاک کند و نعمتش را بر شما تمام نماید، تا سپاس گزارید. (مائده: ۶)

این آیه، پس از بیان عبادت ها، راز آنها را در ظاهر شدن انسان می داند و با وجود تفاوت در شیوه به دست آوردن طهارت، یعنی طهارت به وسیله آب یا خاک، روشن می شود که طهارت شامل طهارت ظاهری و باطنی، یعنی پاکی از هرگونه پلیدی ظاهری و باطنی است. برای دعا کردن و به محضر الهی تشریف یافتن، هم باید ظاهری آراسته و تمیز داشت، و هم باطن و وجود خویش را

شایسته بارگاه پاکی‌ها و زیبایی‌ها ساخت. خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ؛ یقیناً خدا کسانی را که بسیار توبه می‌کنند، و کسانی را که خود را [با پذیرش انواع پاکی‌ها از همه آلودگی‌ها] پاکیزه می‌کنند دوست دارد (بقره: ۲۲۲).

این آیه، تمام موارد پاکی ظاهری و باطنی را بیان می‌کند. با توجه به این موارد در دعا و اعمال و نیایش، با شناخت خداوند و حکمت بیان این امور، شوقی در داعی ایجاد می‌شود که او را به تدریج به مرحله عملی رسوخ می‌دهد و این اعمال، در افعال او تأثیر زیادی داشته و موجب کمال او خواهد شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۵۸/۴؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۵۳/۳)

#### ۳-۲-۱-۴. حضور قلب

از مهمترین شرایط دعا و مناجات، حضور قلب است. اگر دل، متوجه جایی دیگر باشد، دعا اجابت نمی‌شود. خداوند متعال فرموده، عبادات را قبول نمی‌کند مگر از متقیان. بنابراین، داعی باید به آنچه می‌گوید، توجه داشته باشد و به گونه‌ای نباشد که هنگام دعا کردن و حتی دعا خواندن در غفلت باشد. معنای توجه و التفات، توجه به خواننده، یعنی خداوند متعال است. داعی باید توجه داشته باشد که در چه جایگاهی است، وگرنه به دعا و خدا و چیزی که می‌خواهد، سبکی کرده است. قلبی که در آن جز رضای حق و احیای دین، چیز دیگری نباشد، قلب طاهر است. رسول خدا ﷺ در خطبه شعبانیه دستور داد: «با انگیزه و نیت صادقانه و دلی پاک و روحی وارسته از خدا مسئلت کنید». مقصود از قلب طاهر به فرموده امام صادق علیه السلام دلی است که در آن، خاطره‌ای به جز خاطره الله نباشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۲)

#### ۴-۲-۱-۴. اصرار و مداومت بر دعا

یکی از حالات صفای باطنی داعی، مداومت او بر دعایش است؛ زیرا دعا نوعی عبادت است و خدا هدف از خلقت را عبادت بیان می‌کند. «ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶).

#### ۵-۲-۱-۴. اظهار خشوع

خداوند متعال می‌فرماید: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً؛ پروردگارتان را در حال تضرع و خفا بخوانید». (اعراف: ۵۵) بنابراین، تضرع، یعنی با کمال خضوع، خشوع و تواضع، رو به سوی او آرید. در حقیقت دعاکننده نباید تنها زبانش چیزی را بخواهد، بلکه باید روح دعا در درون جان او و در تمام وجودش منعکس شود و زبان، تنها ترجمان آنها باشد و برای نمایندگی همه اعضای او سخن گوید. در این آیه دستور داده شده که خدا را به طور خفیه و در پنهانی بخوانید تا از ریا دورتر، به اخلاص نزدیک‌تر و همراه با تمرکز فکر و حضور قلب باشد (طباطبایی، ۱۴۰۷، ۱۵۹/۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۰۹/۶).



طبرسی، ۱۳۶۰، ۹/۱۳۳). در حوزه نظری، با شناخت اسما و صفات خدا مانند غفور و رحیمی پروردگار، در داعی، شوق و انگیزه‌ای ایجاد می‌شود و در حوزه عملی، داعی خود را از حالت لفظی و سطحی، به اعمال و جوارح قلبی می‌رساند. به این صورت، او به تدریج بر رابطه خود و معبود افزوده، به سوی او گام برداشته و خود را به خدا نزدیک می‌کند. بنابراین، هر چه شناخت داعی در حوزه نظری بیشتر باشد، موجب انگیزه و شوق بیشتر و در نهایت دعا و نیایش و در کل اعمال او، موجب تقرب به خداوند می‌شود و این، همان کیفیت مطلوب دعاست که قرآن و روایات بر آن تأکید دارند.

#### ۲-۴. کیفیت دعا از منظر فلاسفه

##### ۱-۲-۴. در حوزه نظری

حوزه نظری، حوزه شناخت و معرفت است. داعی در این حوزه، با صفات و اسمای خداوند آشنا شده و به موجب این بینش، معرفتی از خداوند در او شکل می‌گیرد و همین بینش، بر رابطه او با خدا تأثیرگذار بوده و موجب کیفیت عالی و مطلوب در دعا و اعمال خواهد شد. بنابراین، مراد از حوزه نظری، بینش و شناخت نسبت به خداوند متعال است.

##### ۱-۲-۴. آشنایی با اسما و صفات خداوند

##### ۲-۱-۲-۴. سمیع و بصیر بودن

خداوند، اسما و صفات بسیاری دارد که صرف و خالص هر کمال وجودی است و به صورت حقیقت است، اما دیگران، چون ذاتشان به عرض وجود او موجود است، صفاتشان نیز همین‌گونه است. بنابراین، همه صفات وجودی حقیقی و خالی از نقص، فقط از آن خداوند سبحان بوده و تمام اوصاف دیگران، بالعرض به آنها نسبت داده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۵۴) یکی از اوصاف خداوند، سمیع و بصیر بودن اوست. خداوند در سوره شوری می‌فرماید: «وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ؛ و اوست شنوای بینا» (شوری: ۲۰). خداوند، منزّه از عیب و نقص مطلق بوده و به همه اشیا و اشخاص جهان، بیناست. سمیع بودن در حکمت نظری، یعنی صدا و ندا، و در حکمت عملی، یعنی اعتنا به محتوا و اهتمام به مضمون دعا، و در صدد انجام آن برآمدن. بعد از شناخت خدا، با توجه به اینکه داعی، خداوندی را می‌خواند که صدا و ندا و محتوای دعاها و مناجات او را می‌شنود و می‌بیند، نوعی اشتیاق و رغبت بر انجام بیشتر اعمال در او ایجاد می‌شود و دعاهایش، کیفیت مؤثری خواهد داشت که موجب قرب به خداوند می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۲/۳۳۱).

#### ۴-۲-۱-۳. قادر بودن خدا

یکی از صفات ذات خداوند، قدرت است. قدرت در خداوند صفتی است مؤثر بر علم و آگاهی و از صفات کمالی خداوند بوده و به معنای عجز و سلب ناتوانی بر ذات اقدس خداوند است. داعی، وقتی بدانند که خداوندی را می‌خواند که قادر بر انجام امور و نیز قادر بر اجابت و قبول دعا و نیایش‌های اوست، نوعی شناخت و بینش در او ایجاد می‌شود که بر رابطه او با معبود تأثیر گذاشته و باعث می‌شود که داعی، دعای با کیفیتی داشته باشد که نتیجه آن، قرب و کمال به خداوند است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۳۳۱/۲)

#### ۴-۲-۲. در حوزه عملی

بعد از شناخت صفات خداوند، شوقی در داعی ایجاد می‌شود که موجب برانگیختن اراده در او شده و به موجب آن، اعمال، دعا و نیایش او از قالب لفظی و سطحی، به مراتب عمیق‌تر، یعنی عملی و قلبی رسیده و داعی را به غایت خود، یعنی همان قرب و کمال می‌رساند. برای این امر، رعایت و آگاهی اموری که در ادامه بیان می‌شود، بر کیفیت دعای داعی مؤثر است.

#### ۴-۲-۱. طهارت باطنی

##### ۴-۲-۱-۱. هماهنگی شئون دعاکننده با دعا

شهید مطهری می‌فرماید:

باید شئون زندگی انسان، با دعا هماهنگی داشته باشد، یعنی آنها با هدف تکوین و تشریح هماهنگی داشته باشند. دل، پاک و صاف باشد. کسب و روزی، حلال باشد. مظالم مردم، برگردن نداشته باشد. (مطهری، ۱۳۷۷، ۷۸۸/۲۳)

ملاصدرا می‌فرماید:

از ویژگی‌هایی که دعاکننده باید به آنها توجه داشته باشد، پرهیز از غذای شبهه‌ناک است. پاک بودن درون از غذای شبهه‌ناک و حرام، در پذیرش دعا اهمیت زیادی دارد. به گونه‌ای که عدم توجه به این اصل، تأثیر سوء خود را در استجابات دعا خواهد گذاشت.

(صدرالدین شیرازی، ۱۳۰۲، ص ۲۱۵)

##### ۴-۲-۱-۲. پاک کردن قلب با دعا و مناجات

از نظر ابن عربی، شکی نیست که رؤیت تقصیر و کوتاهی بنده در طاعت پروردگار، بر بنده واجب است؛ زیرا او از تعظیم و بزرگداشت جلال پروردگارش کوتاهی کرده و واجب است قلبش را پاک کند. قلب انسان با مناجات پروردگارش پاک می‌شود؛ زیرا اگر آن را به نفس خودش، نه به نفس

پروردگارش پاک کند، پلیدی ای بر پلیدی دیگر افزوده است. پاک کردن قلب، برائت از خود و بازگرداندن همه کارها به خداست. (ابن عربی، ۱۳۹۷، ص ۳۷) ملاصدرا معتقد است که نفس انسان، باید خود را به پاکیزگی ملتزم کند. به اعتقاد او لازم است که دعاکننده، نفس خود را از آلودگی های جسمانی و غرض های نفسانی پاک کند و همچنین از قید و بند غضب، شهوت و اتکا به غیر خداوند دوری کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۰۲، ص ۲۱۳).

#### ۳-۱-۲-۲-۴. گریه و خضوع

از دیدگاه ملاصدرا، از جمله اسباب برای حصول شیء مورد درخواست داعی، زاری و فروتنی اوست. وی نسبت دعاها و زاری ها را به حصول اهداف در اعیان، مانند نسبت اندیشیدن و فکر کردن به حصول نتایج در اذهان می داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ۹۹۸/۴)

#### ۴-۱-۲-۲-۴. دعا به زبان فقرو نه به زبان حکم

ابن عربی از ابویزید بسطامی نقل می کند:

خداوند به ابویزید فرمود: «به من با ذلت و افتقار، نزدیکی جوی و خودت را بگذار و بیا». ابن عربی در جای دیگر می نویسد: «دعا نه تنها نشانه ذلت و افتقار است، بلکه عبودیت بنده را نسبت به پروردگارش نمایان تر می سازد. در حالی که نزاع، ریاست و سلطنت است و انسانی که از جهت تخلق، قهر و غلبه ورزید، این منازعه با فرمان الهی از القانات شیطان بر قلب شخص است». (محبی الدین بن عربی، ۱۳۹۷، ص ۲۵)

#### ۵-۱-۲-۲-۴. اهتمام به زمان و مکان در دعا از منظر فلاسفه

برای تفضلات الهی و عطایای آسمانی، هیچ لحظه ای با لحظه دیگر، و مکانی با مکان دیگر فرقی ندارد، اما برخی از ساعات و مکان ها، برای بندگان یادآور خاطرات حوادث و تجلیاتی است که در آمادگی و تلطیف روح آنها تأثیر بسیاری دارد. در اندیشه ابن عربی، رعایت وقت دعا، یکی از شرایط لازم برای استجاب دعاست. وی بر دعا هنگام اذان، جنگ و بیکار و هنگام شروع نماز تأکید می کند؛ زیرا هدف از دعا، اجابت است و اسباب و علل استجاب و قبولی دعا، منحصر در زمان و مکانف حال و نفس کلمه ای است که با آن، از حق تعالی درخواست می شو. اگر هریک از این موارد با دعا همراه شود، دعا اجابت می شود. به گفته ابن عربی اسم و پس از آن حال، در استجاب دعا تأثیر بیشتری دارد. (محبی الدین بن عربی، ۱۳۹۷، ص ۱۲) ملاصدرا، مکان دعا را در استجاب آن بسیار مؤثر می داند. انتخاب جای مناسب و گوشه ای خلوت، برای ارتباط روحی با عالم بالا و لذت بردن از اتصال با عالم ملکوت است. او در توضیح این شرط، به بیان سهل بن عبدالله تستری استناد

کرده و می‌گوید:

از بیان سهل بن عبدالله تستری استفاده می‌شود که مرتبه عالی از ارتباط روحی با فیاض علی الاطلاق و مناجات خداوندی، ویژگی‌هایی دارد که از جمله آنها، گوشه خلوت برگزیدن و دوربودن از مردم، خدا را زیاد یاد کردن، خوشحال بودن از عمل خود، لذت بردن از راز و نیازهای در حال خلوت و اتصال روحی با سرچشمه زلال هستی و جمال کبریایی و منبع سرور است.

از دیدگاه ملاصدرا، هر اندازه عبادت، پنهانی و دور از انظار دیگران باشد، به همان اندازه از ناخالصی‌های خودپسندی و ریا، دورتر خواهد شد مگر اینکه در اعلان و آشکاربودن آن، مصلحتی باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۰۲، ص ۲۲۰)

در مورد کیفیت دعا، فلاسفه اسلامی در دو حوزه نظری و عملی نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند. در حوزه نظری، با مطرح کردن اسما و صفاتی مانند سمیع، بصیر و قادر بودن، در صدد بیان این مطلب بودند که داعی با شناخت این اسما و صفات، متوجه می‌شود که خداوندی را می‌خواند که این قابلیت‌ها را دارد. در حوزه عملی نیز، فلاسفه بیان کرده‌اند که داعی، علاوه بر معرفت در حوزه نظری، با انجام اموری در حوزه عملی، مانند پاکی و طهارت قلب، گریه و خضوع و ... و نیز اهتمام قائل شدن به زمان‌ها و مکان‌های خاص در دعا، باعث می‌شود که شناخت او از خداوند، به مرحله شناخت قلبی بوده و در اعمال و جوارح او سرایت کند. این، موجب می‌شود که دعای او، کیفیت و مطلوبیت عالی داشته باشد و در سایه آن، بتواند به خداوند نزدیک شود.

## ۵. نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی آیات قرآنی و سخنان فلاسفه اسلامی در مورد حقیقت دعا، می‌توان به این نتیجه رسید که از منظر قرآن و فلاسفه اسلامی، دعایی دعای حقیقی است که داعی را از ماسوی منقطع کرده و به خداوند پیوند دهد. به طوری که داعی، خود را در محضر خدا ببیند. بنابراین، دعای لفظی، دعای حقیقی نیست. در مورد کیفیت دعا، در دو حوزه نظری و عملی، با بررسی به دست آمده از منظر قرآن و فلاسفه اسلامی می‌توان به این نتیجه رسید که در حوزه نظری، از منظر قرآن کریم و فیلسوفان اسلامی، زمانی دعای داعی کیفیت خوب و مطلوب دارد که داعی بتواند شناخت و بینشی از صفات خداوند داشته باشد. این شناخت و معرفت، بر رابطه او با خدا تأثیر گذاشته و موجب قرب او خواهد شد. در حوزه عملی از منظر قرآن و فلاسفه اسلامی، نکاتی مطرح شد که به موجب این معرفت، در داعی، علم و شوق و انگیزه درونی ایجاد می‌کند که همین امر، سبب

می‌شود ذکر و دعا و اعمال داعی، از دعای لفظی و سطحی، به دعا و اعمال عملی و قلبی و رغبت و میل بیشتر، به ارتباط با خداوند تبدیل شده و به تدریج، باعث قرب و در نهایت باعث کمال او خواهد شد.

## فهرست منابع

### \* قرآن کریم

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). حکمت عبادات. قم: بوستان کتاب.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). توحید در قرآن. قم: بوستان کتاب.
۳. حیدری، کمال (۱۳۹۳). دعا در قرآن. تهران: انتشارات سخن.
۴. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه امام خمینی علیه السلام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام علیه السلام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۶. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۶). التفسیر القرآن الکریم. قم: بیدار.
۷. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۰۲). الرسائل. قم: مکتبه المصطفوی.
۸. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۸۳). شرح اصول کافی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۹. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۹۸۳). الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعه (با حاشیه علامه طباطبایی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۰۲). مجموعه الرسائل التسعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۸). رسائل توحیدی (توحید ذاتی، اسماء حسنی، افعال الهی، وسائط فیض میان خدا و عالم مادی). قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۴. محی‌الدین بن عربی، محمدبن علی (۱۳۹۷). الفتوحات المکیه. وت: مولی،.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار شهید مطهری (بیست گفتار). تهران: صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار شهید مطهری (آشنایی با قرآن). تهران: صدرا.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار شهید مطهری (یادداشت‌های شهید مطهری). تهران: صدرا.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار شهید مطهری (خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند). تهران: صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار شهید مطهری (انسان کامل). تهران: صدرا.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.